

درس قواعد فقهیه استاد حاج سید مجتبیٰ نورمفیدی

موضوع کلی: قاعده قرعه

تاریخ: ۶ مهر ۱۳۹۸

موضوع جزئی: مطلب پنجم: فرق قرعه، استخاره و استقسام بالأزلام

مصادف با: ۲۸ محرم ۱۴۴۱

جلسه: ۳

﴿الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین﴾

خلاصه جلسه گذشته

در فصل اول مطالبی را به عنوان مقدمه یا کلیاتی که لازم است مورد رسیدگی قرار بگیرد عرض کردیم و انشاء الله بر اساس همان ساختار کلی ای که در اول بحث ارائه دادیم، مباحث را دنبال خواهیم کرد. بحث ما رسید به بیان فرق قرعه، استقسام بالأزلام و استخاره؛ اجمالاً معنای قرعه را توضیح دادیم. در مورد استقسام بالأزلام هم بعد از بیان معنای آزلام و استقسام، گفتیم که این ترکیب در دوران قبل از اسلام در سه هدف و سه منظور استعمال می شده. یکی اینکه بوسیله آزلام یا چوب هایی که تراشیده شده بود و آماده پر و پیکان گذاشتن بود، گاهی قمار انجام می شد که نوعاً در مورد گوشت شتر و در ایام قحطی مخصوصاً این کار انجام می شد و بازندگان و برندگان بر اساس تکالیفی که بر عهده آنان بود مشخص می گردید. گفتیم در آیه سوم سوره مائده، به نظر مرحوم علامه که نظر درستی هم هست، استقسام بالأزلام به این معنا بکار رفته است خلافاً لبعض المفسرین که معنای دیگری برای استقسام بالأزلام ذکر کرده اند.

نوع دوم استقسام بالأزلام

منظور دیگری که از استقسام بالأزلام تعقیب می شد، طلب خیر و قسمت کردن ارزاق بوسیله این آزلام بود. آن ها در واقع برای کارهایی که در نظر داشتند انجام بدهند، طلب خیر می کردند به این ترتیب که بر روی سه تیر یک عنوان می نوشتند. بر یکی می نوشتند «امرئی ربی»، بر دیگری می نوشتند «نهانی ربی» و روی برخی هم هیچ چیزی نمی نوشتند و یا می نوشتند «غفل» به معنای پوچ. این سه تیر را در جعبه ای قرار می دادند و یکی از این تیرها را خارج می کردند. اگر امرئی ربی خارج می شد، آن را کار را انجام می دادند و اگر نهانی ربی خارج می شد آن را ترک می کردند و اگر غفل خارج می شد، آن را می انداختند و دوباره یک تیر دیگری بر می داشتند. این کار را معمولاً در مورد سفر، مسکن، ازدواج، کسب و کار و امور مهمه انجام می دادند.

نوع سوم استقسام بالأزلام

هدف سوم در واقع همان چیزی بود که ما قبلاً گفتیم؛ یعنی برای قرعه و خروج از تحیر، این را بیشتر در دو یا سه مورد انجام می دادند. یکی تعیین نسب مشکوک، تعیین پرداخت کننده دیه و گاهی هم برای مشخص کردن قاتل. اگر برای تعیین

نسب بود روی یکی از تیرها می نوشتند «منکم»، بر روی دیگری می نوشتند «من غیرکم» و روی سوم می نوشتند «ملصق» یعنی مجهول النسب.

یا مثلا در مورد دیه اگر بود می نوشتند «العقل» یعنی دیه، «العفل» یعنی پوچ و آنوقت یکی از اینها را خارج می کردند و حکم معلوم می شد.

در اینکه قرعه کدام یک از این اقسام است را در جمع بندی عرض خواهم کرد. ولی مسئله این است که در بین مفسرین اختلاف است که استقسام به کدام یک از این اقسام ناظر است. مثلا در سوره مائده عرض کردیم که نظر مرحوم علامه همان میسر و قمار مد نظر است در حالی که زمخشری و فخر رازی آن را به عنوان تعیین خیر و شر دانستند و لذا علامه برای رد این دو تأکید می کنند که در اینجا استقسام بالأزلام به معنای قمار و تعیین برنده و بازنده در مسئله شتر است.

زمخشری در کشاف در همین آیه معتقد است که این به معنای تعیین خیر و شر است.^۱

فخر رازی هم تقریبا این مطلب را تأیید کرده چون می گوید که ازلام در این آیات به معنای برد و باخت در مسئله گوشت شتر توسط لغویین معنا شده، اما جمهور مفسران استقسام بالأزلام را به معنای شناخت خیر و شر در امور آینده دانسته اند.^۲

در بین مفسرین اهل سنت، قرطبی ازلام را به همان معنای میسر دانسته است.^۳

البته در برخی تفاسیر، مفهوم ازلام را مطلق دانسته و حرمت را شامل هر سه نوعش می دانند.^۴

به هر حال استقسام بالأزلام به سه معنا یا به سه هدف در زمان جاهلیت مرسوم بوده است. در مورد آیات قرآن هم بین مفسران اختلاف واقع شده که اجمالا اشاره شد اما مجال برای بررسی این مسئله در این مقام نیست ولی عمده این است که ببینیم قرعه با استقسام بالأزلام چه فرقی دارد.

فرق قرعه و استقسام بالأزلام

نوع اول استقسام بالأزلام کاملا مشخص است که با قرعه متفاوت است و در آنجا قمار است.

اما نوع دوم یعنی طلب خیر یا تعیین خیر و شر در امور آینده و همچنین تعیین نسب یا پرداخت کننده دیه و امثال این، این دو قسم می تواند با قرعه ای که ما در اینجا درباره اش بحث می کنیم، تصادق داشته باشد. یعنی قرعه از نظر ماهیت یا بر استقسام بالأزلام از نوع دوم، یا از نوع سوم می تواند منطبق شود. بالاخره ما در قسم دوم گفتیم که تعیین خیر و شر

۱. کشاف، ج ۱، ص ۶۰۴.

۲. تفسیر الکبیر، ج ۱۱، ص ۱۳۵.

۳. جامع البیان لأحكام القرآن، ج ۶، ص ۴۰.

۴. تفسیر بقاعی ج ۶، ص ۳۹۱.

می‌شود و یا در نوع سوم عرض کردیم در یک مورد خاص که چیزی مشکوک و مشتبه است، به این وسیله تعیین می‌شود. در هر صورت این دو قسم و این دو نوع می‌تواند منطبق بر قرعه باشد اما نوع اول به کلی از قرعه مسیرش جدا است. در عین حال آنچه که فارق و مایز بین قرعه و نوع دوم و سوم استقسام بالأزلام است، این است که در استقسام بالأزلام استمداد برای تعیین خیر یا طلب الخیر یا استمداد برای تعیین قاتل و تعیین نسب و نیز پرداخت کننده دیه از اصنام و بت‌ها بوده است. اما در قرعه استمداد و طلب الخیر چه در امور مهمه و چه در امور مشکله و مشتبهه، از خداوند تبارک و تعالی و تفویض امور به خدا و استهداء از او است و لذا یک فرق روشنی بین استقسام بالأزلام و قرعه وجود دارد و این ناشی از این است که در قرعه اساس بر توحید است ولی در استقسام بالأزلام اساس بر شرک است. چون استمداد از چیزی می‌شود که لا مؤثریته له علی وجه. بله شکل ظاهری این‌ها یکسان است، چون در قرعه هم مثلاً تیرها هست و از بین تیرها انتخاب می‌شود و یا بر روی برگه‌ها چیزی‌هایی را می‌نویسند اما مسئله این است که در یکی استمداد از خدا است و دیگری از غیر خدا است.

این فرق قرعه و استقسام بالأزلام بود.

سوال:

استاد: اینکه در روایات می‌بیند که برای قرعه آداب و ادعیه‌ای ذکر کرده‌اند، این‌ها همه برای این است که جهت بدهد به قرعه و عرض کردیم که شارع یک چیزهایی ضمیمه کرده است.

سوال:

استاد: باید دید که آیا عمل به قرعه رخصت است یا عزیمه؟ عمده این است که آیا حقیقت قرعه با استقسام بالأزلام که در جاهلیت بود فرقی دارد یا خیر؟ می‌گوییم بله. قرعه‌ای که مشروعیتش را از شریعت اخذ کردیم، این قرعه با استقسام بالأزلام فرق دارد. اینکه چگونه مشروعیتش بدست آمد و چگونگی انجام آن، بعداً خواهد آمد.

سوال:

استاد: هر دو نوع استقسام بالأزلام شرک است.

اما در فرق بین قرعه و استخاره، اول باید دید که حقیقت استخاره تا حدودی چیست و بعد دید که با قرعه فرق دارد یا نه.

۳. استخاره

استخاره انواع و اقسامی دارد، اما اجمالاً استخاره یعنی طلب الخیر که تارةً به دعا است و آخری به نماز و ثالثهً به قرآن، و رابعةً به رقاع است و خامسةً به تسبیح است. اگر بخواهیم انواع استخاره را در یک تقسیم بندی کلی ذکر کنیم، استخاره در واقع بر دو نوع است و آن‌ها اشکال آن است. یکی طلب الخیر بالدعا او الصلاة أو بهما یعنی اینکه بعد از نماز یا دعا

خداوند به قلب انسان الهام کند خیر را، و آنچه به قلب انسان خطور کند، آن می‌شود خیر یعنی در واقع طلب استقرار قلب و فکر بر یکی از دو طرف بعد الدعاء و الصلاة.

اما قسم دیگر در واقع طلب هدایت قلبی و یا الهام به قلب نیست و نمی‌گوید آنچه که به قلب من خطور کرد بلکه می‌گوید آنچه که در این مهره‌ها یا صفحه قرآن آمد، همان تکلیف من است.

از این پنج شکلی که برای استخاره نام بردیم، قسم اول و دوم در واقع همان هدایت قلبی و الهام قلبی است. مثلاً وقتی کسی دعا می‌کند که خداوند خیر من را در این امر به من بنمایان، آنچه که قلبش به آن کشش پیدا کرد را انجام می‌دهد و از هیچ ابزار خارجی هم استفاده نکرده است.

اما آن سه نوع دیگر یعنی استخاره به قرآن، تسبیح و رِقاع، در واقع استمداد و استفاده و کمک گرفتن از بعضی از ابزارها است برای اینکه راه و طریق را نشان دهد.

فرق قرعه و استخاره

این دو قسم یعنی نماز و دعا تناسبی با قرعه محل بحث ما ندارد، چون ما در قرعه از یک ابزاری کمک می‌گیریم برای تعیین وظیفه و تکلیف.

استخاره بالرقاع، تسبیح و قرآن، این‌ها در واقع با قرعه متصادق اند و یک نوعی از انواع قرعه هستند چون قرعه در اصطلاح یعنی اینکه انسان از خداوند طلب هدایت کند و بوسیله یکی از این ابزارها تکلیفش را تعیین کند که در استخاره به تسبیح و قرآن و ذات الرقاع هم چنین است.

استخاره ذات الرقاع همان قرعه است. در مورد استخاره ذات الرقاع در روایتی از امام صادق (علیه السلام)^۱ اینچنین آمده که کسی که می‌خواهد استخاره ذات الرقاع کند، شش برگه می‌نویسد، در سه تا از آن‌ها می‌نویسد: بسم الله الرحمن الرحيم خیرة من الله العزیز الحکیم لفلان ابن فلان افعّل. در سه تا دیگر هم می‌نویسد: بسم الله الرحمن الرحيم خیرة من الله العزیز الحکیم لفلان ابن فلان لا تفعّل. این شش تا را زیر سجاده نماز می‌گذارد و دو رکعت نماز می‌خواند و بعد از نماز صد بار در سجده می‌گوید: استخیر الله برحمته خیرة فیہ العافیة، بعد از سجده بر می‌خیزد و دعا می‌کند و بعد کاغذها را بهم میریزد و یکی یکی این‌ها را خارج می‌کند. اگر سه تا افعّل بیرون آمد آن را انجام می‌دهد و اگر سه تا لا تفعّل بود، آن را انجام نمی‌دهد و اگر مختلف بود تا پنج کاغذ را در می‌آورد و آنچه که اکثریت بود، بر طبق آن عمل می‌کند.

نوشتن روی این برگه‌ها از نظر شکلی مانند استقسام است با این تفاوت که اساس این بر توحید است. هرچند هر دو عنوان بر آن صادق است. فقط آن استخاره‌ای که گفتیم، طلب الهدایة و الإستهداء من الله تبارک و تعالی برای تعیین خیر و شر، آن می‌تواند متفاوت باشد.

۱. وسائل، ج ۵، ص ۲۰۱، باب ۲ از ابواب صلاة الإستخارة، حدیث ۱.

اللهم إلا أن يقال اگر ما قرعه را معنا کردیم به نفس الإستهداء من الله به معنای کلی اعم از اینکه از ابزاری کمک گرفته شود یا نه، آن دو یعنی دعا و نماز هم می‌شود قسمی از قرعه ولی اگر کمک گرفتن از ابزار را در نظر بگیریم، فقط این سه قسم قرعه هستند.

سوال:

استاد: آنجایی که خطور به قلب می‌شود، بسته به اعتقاد خود شخص دارد و بهترین قاضی وجدان و نفس خود اوست که آیا تمایل او دخالت دارد یا نه؟

علی ایحال، فرق بین قرعه و استخاره هم معلوم شد.

برای تکمیل بحث عرض کنم که ابن ادریس به غیر از دو نوع اول و دوم را قبول ندارد و می‌گوید که مشروع نیست و بعد مرحوم آقای بجنوردی هم به مقدس اردبیلی نسبت داده و می‌گوید که او هم استخاره را قبول ندارد و می‌گوید که فرقی با استقسام بالأزلام ندارد؛ این باید بررسی شود.

«والحمد لله رب العالمین»